

نامتای شمال حال حضرت بوده همه نعمت بی کس و کاوش و بی تعلیق سیر و سفر و مقام سکونت
 آنحضرت در روزی شده در آنچه قلندران و سفر در آن خود و سیر و سفر گاه بنات و غیر بنات و سیر
 ظاهر و دید آنحضرت سینه باطن خود مشاهده نمود و آنچه قلندران در سیر و سفر با قلند آنحضرت
 بتمام خود یا خدایین محض از عبادت الهی و توحید پاکروان کلامی است چنانکه حضرت سیدمکرم الدین
 قلندر خوش خاتمه را حکم و بشارت از جناب رسالت آب صادر شد که بپند بر دو قطب الدین
 بیادول را که منتقامت بسرو پروردار و تربیت و تلقین کسب ظاهر کین چنانچه بوجه حکم آید
 حضرت سیدمکرم الدین قلندر خوش خاتمه از حجاز قشربین شریفین در سینه ششصد و بیست و شش
 در آنحضرت بار و کبر بسرو پروردار از انی فرمودند چنانچه در کتب مولوی معنوی مسطور است که از
 اینبار متواتره در بین دیار شجره دار و نشر بیت آوردن حضرت شیخ المشایخ سیدالسادات
 محم الدین قلندر خوش خاتمه هر بقعه بسرو پروردار که در عرفان سر پروردار است کمر شده است شایسته
 از سیدان شریفین و با همگرمانی پیشین بوده و در شاد حضرت قطب الدین بیادول در مرتبه پنجمه
 که ظهور آنحضرت شده است چهارده چیز در آنجا استقامت کرده آنحضرت را و بیست
 خود آورده و مرید کرده تلقین او کار و افکار و ریاضات و مراقبات و مشاهدات بوجه آسن
 خوب کرده و بر سوز فقر و کله ای آگاه گردانید و از سزا احمد با هم بیدار کرده بتمام ثنائی آید
 و بقا با قلندر ساینده پنجمین تقالی و سینه حضرت خوش ریحتم حضرت سینه آنحضرت بخت چنان
 در هر امور قمر مانی خود دیده خلافت کبری داده با اس مشایخ پوشانیده در عنوان ظاهری
 و باطنی محمدی و غیر تصویق ارشاد فرموده بقیب خود خوش خاتمه از سینه استقامت بخشیده
 خود مراجعت بسوی وطن نمودند و آنحضرت چند روز بقیب سرور بود مانده باز کار و افکار و
 اشغال بیخود دیده و شنیده آملان در ده بیست تقالی اندیشگون شد و بعد بقیب کین
 بیست جویند و مانده شد در راه و در انجمنی راه و وضع سوگند که از قرآن متعلقه سرکار همانچو است
 تقالی و کتای دیده و طلالی یاد خدا پندیده و کجا بگذرد و کجا بگذرد و کجا بگذرد و کجا بگذرد

سید الانبیا رسول الله صلوات و سلام بی پایان بر رسول کریم و بر ایشان
بست و شش از نظامی اردانی بصره سه روز بخاسته

فصل چهارم در بیان احوال پیرجمادیم شیخ الاسلام و المسلمین و ایشاد علوم الانبیا
و المسلمین شیخ المشایخ قطب الافراد و ثبات الدهر حضرت شاه قطب الدین
پیناول قلندر سمرقانی معروف به سید سمرقانی و سمرقانی معروف به سمرقانی

ملک اشرف یعنی خواججه سرور آباد گردانیده و تمام خود موسوم کرده احوال بفظ عامه سمرقانی نام
زده است از جمله خلفای کبار و مشایخ حضرت سید نجم الدین قلندر و ثبات الدهر اندک پیران که حضرت
در زاد و نی بوده و ادبی تربیت و تقیین از ارواح مطهره و مقدسین سمرقانی و صبی بطن شده و در آردق
عمادت و کرامات و تصرفات از ایام شیرخوارگی ظاهر و با هر گشتی چه منقول است که آنحضرت
بجسب ظاهر نشان چشم بود و اما آنچه مرومان چشم ظاهر می بینند آنحضرت زیاده از آن چشم باطن مشاهده
میفرمودند و از آن قطب پیناول شده و آنحضرت را این حالت از طفلی بود و چه بچه نشود است
و قتی که آنحضرت متولد شده و در آنحضرت را در کنار گرفت اتفاقاً با این دایه همان روز که شد و این
گفت که این فرزند منم که بخت در کنارم رسیده که بود و گرفتن او با من کم شد پس چون آنحضرت
پیدا و گویای طفلان رسید و زبان بطق بکشا و اول سخن این گفتند که ای دایه مرا کم نشود است که
با تو شتی برو من سوسن شمش را ایند کرده و آدم با تو همان سوسن نهاده است چون آن
سوسن را دید بعد از بی تغییر و تبدل همان آن دایه با غش چون مرومان خوارق و تصرفات
آنحضرت مشاهده کردند حیران و شجب گشته بعضی رسانیدند که شما را این قدرت و تصرفات بوده
چرا همان وقت ازین اطلاع نداده فرمودند که اگر همان وقت ازین کنی مرومان با از جنس
دیو و پری پیدا شده و با کت و دفع من که شدیدی چون از ایام طفلی غایت الهی و از پیرگان

<p>لیکن آنجا بغیر آل عماد کار فرما فلاح ایشان را در احوال خود گوید قبله العارفتین بلا طلاق شاه باسط علی قلندر حق قادر اولاد و احفاده دل بنامم بجز رای او شیر چون چشم بطف بگیرفته شده قبول حق و قبول رسول بدل فرمود مهر و راقشایش کرد اعطای چنین سلاسل سبع صلوات خدای سبک انجام بنام و سلام مشکور اند و از جمله تصرفات و کرامات</p>	<p>بی نظام است کار و بار همه پا آبی صلاح ایشان را چنین تسلیم بود و تسویب بارید هم بجزرت تحقیق حضرت ذات پاک مظهر حق بداد و احاطت با التلقین پوسه دادم مشکاک پائی او بفدت شمول کرد و مراد شده و از روی لطف کرد قبول شیر بگرفت دست بگیرفته کر چه بودم درین سلاسل سبع چشم دل بر قبول آوردم فخامد این خوب حق که گویا بارب این بند و را پذیرد گویا</p>	<p>کر چه اکنون ز بدعت ظاهر بود همچو بچک نیافت مراد لاجرم هر عاود و کوب سودیدم بجز بیهوشی بود کعبه الظالمین فی الآفاق متم الله منه اهل الدین داد فینا و فیهم اصحابه سایر دست قبول کرد مراد نرم پیران شدم پذیرفته شیر چون قدرت بنده پذیرفته بنده بنواخت از خلافت پیش کر چه از ظلم و جمل خود دارم بر رسول خدا اول کرام از بی این جماعت کبیر</p>
--	--	--

حضرت کی نیست که در فاجح عشق بپیر فاضل سلام رسول جو بیوری که با بطور عشق از قلندر رسالت
و شکر بود و پیر فاضل عاشق بود و چون او در پیشگاه او را و با جوان آنحضرت جانم پایشان چون
ساخته چون درون کردن او شان خلافت مرئی آنحضرت بود و وقت شب شش از قریب شده
فواصل یک یک در راه او پیر خرد سینه که در آن جا آمدن با اندر او یافت ازین جهت انوار
در پای او خرد مرئی آمد و چنانچه فی الفور خرد سینه گری تغییر شده و بنا بر حال که سینه خرد مرئی گری
عینش در خرد مرئی گذشت که در راه او پیر خرد سینه که در آن جا آمدن با اندر او یافت ازین جهت انوار
رشد و چون سینه که در راه او پیر خرد سینه که در آن جا آمدن با اندر او یافت ازین جهت انوار

با ذکر و انکار و ریاضات و مراقبات مشغول گشتند خصوصاً ذکر خوشه و کرده بود اینچنان
 اشتغال کرده که کعبه پوشیده و مشهور بقصب میراند از غمی گشته و آن حجره زیارت گاه خلق الله
 است چنانچه مولای معنوی موصوفت این احوال و بعضی نوارق آنحضرت و بعضی احوال اجداد
 خود و بعضی احوال خود منظم آورده اند و آن این است ایها است

<p>خواست روز و فایده شریف پاره پاره و بیگ و سرگرد از سر و شلخ و پوست دم بر سر گاه گشته آمد و دید عضو عوضش بجای پوست و بر و زیاد جان و هنده تن خاوه مان را بگفت این همچنین و انگاه کار برید این دل مرده را اجالتی ده قطب بین را امر بود و در قدر سوی او بنور خست افکن آن زمان با صحابه می گشت پشت های تو و دراری سینه اش از تک این ذکر خدا پس بنام حیات احق گردد از زمین و آرد صالحی دارند قدر حاجت زکم نرسد</p>	<p>قطب بین زمان بگانه بشمارند گاه گشتند و گشت بر کردند گفت این را کشید و رفت هر دو این خبر ما بدان جناب رسید هفت اندام و جلا جز آنرا نو و عصار اگرقت ز روغن فاست و پاچه شد بنام خدا بخور ایند و با برنج و فوری یکبار این و هم بکار بندگی در احوال خود خود گوید قطب چون از سر و پورین حجره آنجا زیارت است پدید گفت با با غاد این لب بود نام خاصش از حیوان کردیم زدن او بیاسستی گردد طبیعت و نبات با اولاد برود چون فراو سد بدان</p>	<p>بمخمرین را خلقه بسیار اند که طعمی در پدید و نشان سبک آورد گاه و کچه خور و و اقم این گاه هست در این گفت هیچ آورید اعضا چادری بر کشید و در حید با بختید گاه زیر و ا حاضر کردید و رخ با شکر خواهم ای شده کرده زنده زیر احسان خود نیاتی ده خدایا او بنده شیخ عا چند روزی بسو نگر آید بر لب سوی میوه آن و شست بیو تسلیم این مکان کردم ز مرده گرد و فلاحت بد آن زمین آن زمان شیخ عا که آرزو آن اندران کارند</p>
---	--	--

در قاره نشینانند برین تقدیر ظاهر است که بر کدورت حضرت غوث از هر سلام الله علیه مقدم باشد
 از شاه شاه حسین قدس سره و غیر ظاهر است که حضرت قطب الاقطاب بود سادات مجتهد حضرت
 غوث الدهری را بر کسی صاحب بصیرت افادت ندانند و نه برود و اندکست عبارت و اجازت و خلافت
 سلسله سحر و رویه باینکه که منسوب بخواجده بهاء الدین دیگر است از شیخ المشایخ بزمین غفر اوست
 سحر و روی بطریق ابراهیم و چنانچه مولوی معنوی در رساله منظوم میان معنی اشاره فرموده اند
 از قطب خواست و حسب انباشت یافت و او را فرمود آنچه فرستاد و معنی این بیت است که
 شیخ بزمین بخانه قطب الیقین بنیاد از نظر آید و در نه نیست او کار قلندر چه کرده چون او کار
 قلندر چه و در و شوار سطله هم کرد و گفت که ازین در پیرانه سالی کی توانی بگذری از رفته اجازت خلافت
 سلسله سحر و روی که نزد خود داشته بود و در بطریق ابراهیم است آن حضرت فرستاد که از شما این سلسله باری
 خواهد شد انشاء الله تعالی چنانچه آن حضرت به این نیست مرسله را قبول فرمود و از ذات باری گات خود
 جاری فرموده بد آنکه اجازت و خلافت سلسله سحر و روی حضرت شاه قطب الدین بنیاد از حضرت
 شمس الدین بزمین یافته و ایشان از پدر خود حضرت شیخ رکن الدین که نسبت ایشان اهل مسکن
 است یافته و ایشان از پدر خود حضرت حاجی صدر الدین ظفر ابوی قطب بزمین یافته و ایشان از
 و خلیفه حضرت شیخ رکن الدین رکن عالم ابوالفتح عثمانی و ایشان مرید و خلیفه پدر خود شیخ صدر الدین
 عارف و ایشان مرید و خلیفه پدر خود حضرت خواجده بهاء الدین دیگر است از انصاری چنانچه مولوی معنوی در
 رساله منظوم میان معنی اشارت فرموده است شمس الدین بزمین از پدر خود شیخ رکن الدین عارف و ایشان
 پدر صدر الدین بزمین از پدر قطب الدین بهاء الدین در بعضی است این شیخ شمس الدین بزمین است
 اینها این شیخ رکن الدین مسکن و در بعضی است این شیخ صدر الدین بزمین از پدر خود شیخ صدر الدین
 و در بعضی است این شیخ رکن الدین که از عالم ابوالفتح عثمانی و ایشان مرید و خلیفه پدر خود شیخ صدر الدین
 و در بعضی است این شیخ رکن الدین که از عالم ابوالفتح عثمانی و ایشان مرید و خلیفه پدر خود شیخ صدر الدین

آنحضرت نزد قبر آنحضرت است و فرموده اند که مفاصله که میان این هر دو قبر است هرگز
 دفع نخواهد شد یعنی هر دو قبر با هم مقارن و ملاحق نخواهند شد قیامت قائم خواهد شد اما
 اینقدر معاینه است که در زمان سلاطی مفاصله بوده الحال به نسبت آن کم مفاصله است این
 روایت ثقات نقل کرده اند بیان حال داود و سمرقند را ایشان اکثر و کل آن
 می نوشتند و گویند هر شتر خود شمار و قربان می شدند و سمرقند پیوسته بود و قبر آنحضرت
 در موضع سمرقند که از توابع جوینور است چون آنحضرت از موضع سمرقند تشریف شریف
 جوینور آوردند و بهترین دره ای که پل است و اکنون موضع آباد شده مشهور در بعضی پورگانه
 استقامت گرفته با ذکر و افکار و ریاضات و مراقبات و هدایت خلق آنقدر سیر بر و عزم و کمال
 آنحضرت از پیوسته سید نجم الدین قلندر غوث الدهری اجازت و خلافت سلسله قلندریه و علوم
 و طریقه و شیوه و تقاضیه و سلسله قادریه و سحر و دیه و کاتبه یافته چنانچه در فصل
 اول و دوم و بیستم شجره هر یک نوشته شده و اجازت و خلافت سلسله فردوسی از شیخ المشایخ
 حسین بن عزیمت بن علی بن ابی طالب و شیخ حسین از عم خود یافته و پیراوش شیخ نعمت از پیراوش کلان
 بود شیخ المشایخ ابو المظفر بن علی بن ابی طالب پیراوش پیراوش و خلیفه ابو المظفر شمس
 اندو ابو المظفر مرید و خلیفه شیخ المشایخ شرف الدین بکری امیری اند و چون شیخ حسین بن
 سعید را بگفت معلوم شد که امانت شاه قطب الدین بیادول سرور پوری نزد او است و سرور پور
 آرد و از شاد و تلقین طرق سلسله فردوسی آنحضرت را کرده است گفت کار شمار بسیار است
 سیدی که اکنون بجا آورده است از شاد و تلقین گرفتن حضرت قطب الدین بکری از شیخ حسین
 بن عزیمت از شاد فرمودن حضرت سید نجم الدین قلندر غوث الدهری است چنانچه در مکتوب
 مدویدی مشهور است که صحبت حضرت قطب الدین بکری است شیخ المشایخ حضرت شیخ
 بن عزیمت بن علی بن ابی طالب هم با و دارم که از بزرگان شنیده ام که از نقل مکتوبه گفت که
 بسیار است سیدی که اکنون بجا آورده است سید نجم الدین قلندر غوث الدهری که حال او را

شاه و پنا و دین مقدم راه
 احمد اسود آن شه و پناور
 شاه شایان امام و پناورین
 قطب عالم لقب سهری سبط
 شاه فرمان کردای ملک قضا
 سید الشاه اوس سبط کاظم
 شاه دوران بیاض و ظاه
 سرور دین علی زین عماد
 شاه کوهین صدر صدر ران
 سید الا نبی رسول الله
 سی دور و شمار اگر شکر است
 بصره اثر رجا المشایخ
 شاه کون و مکان و دینا دین
 شیخ فتح قلندر این حسین
 شاه غیر القدر و سرور دین
 پادشاهی خلق بر تخت است
 شاه شایان کریم در یاد
 پندین مقرر شمس شیخ
 شاه کون و مکان ملک و راه
 سرور دین آن نجیب الدین
 شاه کون و مکان خود سندی

شهریه آنکه این محمد الله
 شاه و پناور دین کوشش کوش
 سید الطایفه حبیب سید امین
 شاه و پناور دین بعلوم و بفر
 سید مشفق اسکندر خانا
 شاه و پناور دین کجی تالوق
 سرور دین محمد باقر
 شاه کوهین سرور دین
 شیخ شمس سکت کوش
 صلوات و سلام بی پایان
 دست فرود سپه ولی رهبر
 حضرت ذات پاک گل الله
 شیخ السهریه احمد حسین
 شاه شایان امام رهبر
 پیشوای جهان بعلوم و تقوی
 شاه و پناور دین کوه قطب
 قطب حق قطب دین پیکار
 روحی بر جبه پانده براس
 شرف الدین کجی ابرو بار
 شاه کون و مکان خود دین
 سرور دین پناور دین کوشش

شاه کون و مکان پناور
 شیخ مشفق و علو و پناور
 شاه کون و مکان کوشش سبط
 شیخ سعادت کوشش سهرور
 شاه کوهین ملک و عالم
 سید الطایفه حبیب سهرور
 شاه کون و مکان امام شاد
 نور چشم شی امام حسین
 شاه شایان تو امام تخت کلاه
 بر رسول کریم و بر ایشان
 بیان شیخ و سلسله فرزند
 میر باسط سبط محمد شاه
 شاه کوهین ادوی تملین
 شاه دین قیام قلندر حق
 شاه عبد السلام مستان
 خلعت و جانشین سهر قطب
 جان شیرین خداشن عشق
 شاه و پناور دین نظر شمس
 شاه و پناور دین بعلوم و تقوی
 کون و پناور دین فرود سندی
 شاه کون و مکان خود سندی

<p>شیخ آفاق شمس دین بزمین شاه هرود سرا بلخ هند شیخ ابوالفتح رکن عالم دین شاه کون و مکان زمان تین سحروردی مکر شهاب الدین شاه کون مکان و حیدر الدین محمودیه آنکه ابن حمد الله شاه هرود سرا بلخ هند سید اعلیٰ حیدر الدین شاه دنیا و دین بعلوم و بفر سید تقی اسفند رشتا شاه دنیا و دین بقی تالین سروردین محمد باقر شاه کونین سروردین سانی حوض و شافع شکر صلوات خدای پاک و سلام سحروردی مکر شهاب الدین</p>	<p>شاه دنیا و دین بوچشمین شیخ ابوالفتح رکن دین مسکین شاه شایان امام پاک زمین شیخ کونین سروردین عارن شاه و الاجتباب امام کزین عبد قاهر ابوالنجیب فیسا شاه دنیا و دین مقدم راه احمد اسود آن شه و بیور شاه شایان امام دنیا و دین قطب دوران سروری لقب سبط شاه قران روای ملک قضا سید الساده موسی کاظم شاه عالم باطن و ظاهیر سروردین علی زین عباد شاه کونین حیدر صمد سید گل محمد شکر سب سنی و یک از بهانی از شلوی</p>	<p>قطب حق قطب دین بنیادل شاه کون و مکان کونکین سروردین حاجی چو بلخ هند شاه اقلیم عالم و ظارفت ذکر یاد حق بهای الدین شاه حقیق و سروردینا آن ابوالخص مکر با کونین شاه کون و مکان مبارک طور شیخ عثمان و غلو و بیور سے شا کون و مکان بخت سبط شیخ معروف و شکر مکر شاه کونین مالک و ناظم سید الناس جعفر صادق شاه کون و مکان امام شاد نور عین نبی امام حسین شاه شایان رسول پاک نبی بر رسول کریم و آل کرام</p>
---	---	--

فروع دو م شجره سحروردی بهای حیدر بصره بزرگ شایان

<p>شاه کون و مکان کون زمین شیخ قطب رکن حسین</p>	<p>سیرا سبطی محمد نام شاه کونین باوسه ثقلین</p>	<p>حضرت ذوات پاک گل اله شیخ المهدی المکی حسین</p>
--	--	--

سین و نیاورین یا خروزی	شاه اولی و مسرور انوری	قطب آفاق کم دین کبری
شاه مخفی و مسرور وینا	عبد قاهر ابو نجیب فیلسا	شاه کون و مکان و جلال الدین
آن ابو حفص عمر باکین	شاه دنیاورین مقدم راه	عمو یہ آنکے ابن عبد اللہ
شاه کون و مکان مبارک طور	احمد اسود آن مشہور وینور	شاه پروہ سرانگوش طور کی
شیخ منشا و علو وینور سے	شاه شام ان امام دنیاورین	سید الطائیفہ عیندہ امین علی
شاه کون و مکان کوش ریلو	قطب عالم مسری لقب سقظی	شاه دنیاورین بعلوم وینور
شیخ معروف کوشے نمبر	شاه کون و مکان بیکمانے	شیخ داؤد و لقب طا
شاه دنیاورین حبیب سے	آنکے اور لقب بود سبھی	شاه کون و مکان بعلوم وینور
صن بھر کے مقدم وین	شاه کونین جیدر صفدر راز	شیخ شمسائی گوثر
شاه شام ان رسول پاک نبی	سید افضل محمد سیدی	صلوات خدا سے پاک سلام
بر رسول کریم و آل کرام	بست و نہ در شمار اگر نگرے	ہست فرود سید ولی بصری

پہلے سحرور وین ہائی کہ منسوب حضرت خواجہ بہاء الدین ذکر الہی است بر چار نوع است
 اول سحرور وین ہائی کہ منسوب دوم سحرور وین ہائی کہ منسوب سوم سحرور وین ہائی کہ

زبانہند منویہ چارم سحرور وین ہائی کہ منسوب

بیان نوع اول از چار انواع شجرہ سلسلہ سحرور وین ہائی کہ منسوب از بیضا الممشایح

حضرت ذات پاک علی اللہ	میر باسط علی قلندر راہ	شاه کون و مکان دنیاورین
شیخ الحدید احمد حسین ہزار	شاه کونین ہائے نقلین	شیخ فتح قلندر ابن حسین
شاه شام ان امام زہیرتی	شاهورین بکلیہ قلندر حق	شاه عبد القدوس سرورین
شیخ حاجی جہان علم وینور	شاه عبد السلام است حق	ادی خلق بر جنت حق
شاه دنیاورین عمر قطب	شفت جانکین سنہ قطب	شاه شام ان خلد و اول

شیخ الحدیث احمد حسین
 شاه شامان امام و اویسین
 شیخ عبدالقدوس علیہ السلام
 شاه وینا و دین محمد قطب
 خلفت پاک آن عمر عادل
 شاه کون و مکان کو آئین
 صدر دین حاجی آن چراغ ہند
 شاه اکبر عالم تال و طار ہند
 ذکر ای حق ہما و الدین
 شاه عتیق و سحر و روپنا
 آن ابو حفص عمر بنگلین
 شاه وینا و دین بکر رشیدی
 قطب دوران محمد امین خلیفہ
 شاه و شامان امام وینا و دین
 قطب دوران سری لقیہ
 شاه فرمان روای ملک تھانا
 سید الخلیفہ موسیٰ کاظم
 شاه دوران اول و آخر
 سحر و دین علی زمین عباد
 شاه کوئین حیدر ہند
 سید انکل محمد کریم

شاه کوئین اوسے نقلین
 مجتبیٰ ابن مصطفیٰ امین
 شاه عبدالسلام پاک امین
 خلفت و جانشین ہند قطب
 شاه وینا و دین ابو حسن
 شیخ ابوالفتح کن دین سبکدین
 شاه شامان امام بنگلین
 شیخ کوئین سحر و دین عاکف
 شاه و الاجتباب امام کون
 عبد قاهر ابو کبیر خیا
 شاه کوئین امام ربانی
 ابو عباس شہ شاہ شمس
 شاه وینا و دین امام قویم
 شاه ابوالقاسم آن ہندیہ امین
 شاه وینا و دین معلم و ہنرمند
 سید شہدائے کرام
 شاه وینا و دین کنی املین
 سحر و دین محمد باقر
 شاه کوئین سحر و دین
 ساقی حوض و ششاد ہنرمند
 صلوات خدا علی پاک سلام

شاه فتح قلندر امین حسین
 شاه دین رہبر خواص و خواص
 بن محمد شاہ ابن قطب الدین
 قطب حق قطب دین ہند اول
 شیخ آفاق شمس دین بنگلین
 شاه سحر و دین پہاڑ ہند
 شیخ ابوالفتح رکن عالم دین
 شاه کون و مکان ان زمین
 سحر و دین عمر شہا بنگلین
 شاه کون و مکان و جیل دین
 فرج آن نقدا ای نہ بجانے
 شاه کون و مکان ابو لطیف
 ابو محمد امام پاک روم
 شاه کون و مکان کوشش
 شیخ سعید کربلا ہند
 شاه کوئین مالک و ناظم
 سیدک س جہر صلوات
 شاه کون و مکان امام و شامان
 نور دین ای امام حسین
 شاه شامان رسول سید
 بر رسول خودی و تو کم کرام

شاه شاهان امام زهرا	شاه شاهان امام زهرا	شاه شاهان امام زهرا
پیشواکی جهان علم و تقیین	شاه و عبد السلام حجتی	شاه و عبد السلام حجتی
شاه دنیا و دین محمد قطب	خانم و پانچین سید قطب	خانم و پانچین سید قطب
قطب الدین ولی پنا اول	شاه و پنا دین پنا حسن	شاه و پنا دین پنا حسن
شاه کون و مکان گوا آمین	شیخ ابوالفتح کون دین مسکین	شیخ ابوالفتح کون دین مسکین
صدر دین حاجی آن پنا حجت	شاه شاهان امام باکین	شاه شاهان امام باکین
شاه اقلیم تال و طار صفت	شیخ کونین صدر دین عارف	شیخ کونین صدر دین عارف
و کرمای حجتی پنا اول	شاه و الامام سید امام کونین	شاه و الامام سید امام کونین
شاه عقوبت و سرور و پنا	عبد القادر پنا پنا حجت	عبد القادر پنا پنا حجت
آن پنا حجتی عمر باکین	شاه و پنا دین مقدم راه	شاه و پنا دین مقدم راه
شاه کون و مکان مبارک ظهور	امیر سواد آن سید و پنا	امیر سواد آن سید و پنا
شیخ پنا حجت و پنا حجت	شاه شاهان امام و پنا دین	شاه شاهان امام و پنا دین
شاه کون و مکان کون حجتی	قطب و دوران مصری سید	قطب و دوران مصری سید
شیخ معروف و کون سرور	شاه کون و مکان بیگانی	شاه کون و مکان بیگانی
شاه و پنا دین حجتی	آنکه او را لقب پنا حجت	آنکه او را لقب پنا حجت
حسن اهرست مقدم دین	شاه کونین سید ز صدف	شاه کونین سید ز صدف
شاه شاهان رسول سید	سید اکمل محمد عربی	سید اکمل محمد عربی
بر رسول کرم و پنا ایشان	سی و هشتاد از بهائی از کون	سی و هشتاد از بهائی از کون

نوع بیوم شجره سرور و پنا پنا حجتی از پنا حجتی

حضرت زکات پاک انگارند شاه با سید سید محمد امام شاه کون و مکان و دینان

شاه گوین حیدر صفر	شیخ مشهور سانی کوثر	شاه شایان ذوات کرامت
سید الانبیاء رسول اللہ	صلوات و سلام علی پیمان	پیر رسول خدا و پیر ایشان
بیت و شہ از پیمانے اردوانی	بهر سسروردی زنجانی	

فصل پنجم در بیان احوال پیر شریف شیخ الاسلام و مسلمین و ارباب علوم الانبیاء
 و المرسلین قطب العارفین غوث و اولیای قطب الاقطاب حضرت شاه
 محمد قطب که مرید خلیفہ چنانشین پدربزرگوار خود حضرت شاه قطب الدین
 پناول قلندر سسرانوار غوثی پونپوری اند

بدانکه آنحضرت از ایام طفلی کشف و ظاہری و باطنی و سعادت ازلی وابدی از خدمت فیض شریعت
 والد بزرگوار خود سید شریعت و پیر پادشاهت و چاهادت شریعی نمود و چنانچه صاحب النہار و قائم
 بیو و چون با ذکر و افکار و مراقبات و اسرار از خدمت والد خود حضرت شاه قطب الدین
 پناول تربیت گشتین پدربزرگوار آنحضرت را به بیت سعادت شریعی نمود و هر روز انا
 احمد ملائیم آگاه گردانیده بر تبه غنائی انکس و بقا بالکشف و شریعت ساخته و چون در کسب کتب طریقت
 سلاسل و در پر امر و فقر غنائی خود یافتند اجازت کبری اسلست قلندریه و کلوریه و کلیدیوریه
 و چندی نظیریہ و چندی نظیریہ و سلسلہ قادریہ و سمروریہ و سلسلہ نظامیہ و فرز و تیبہ و سمروریہ و سلسلہ نظامیہ
 بشیخه و بیاس فقر و شایندہ و عنوان ظاہری و باطنی محمدی از تصویب ارشاد کرده بقیعت خود
 قطب الاقطاب سسرانوار گردانید و بجای خود نشانی پدید آمد حضرت پدربزرگوار خود
 و پدرو شایندہ و در آن وقت است فرموده همه اوقات بر ایضات مجاہدات و مراقبات کرد
 پدید شریعت و پدید است حق الله مشغولی بود و حالت شکر و عجب بر آنحضرت نمایان نمود و پدید
 ربانی کتب بکمالی پدید شریعت و اکثره فاشد در سسروردی زنجانی و شایندہ کتب حضرت سسروردی

سی و دو روز بہائی کار و اسٹے رضوی سحر و روز پنجائے

تہ چہارم شجرہ سحر و روز پنجائے بصرہ از ربط المشائخ

<p>شاہ دنیا و دینا و دین و کون و مکان شیخ فتح قلندر سید</p>	<p>شاہ باسط علی قلندر مثنی شاہ کون و مکان و حیدر اعلیٰ</p>	<p>حضرت ذالستپاک شہر قی شیخ الہدیہ امیر سلطان</p>
<p>شاہ عبد القادر سن دہترین ادی خلق بر کجست مثنی</p>	<p>کتب عشق و دین و کون و مکان شاہ عبد السلام کجست مثنی</p>	<p>شاہ دین مجتہد قلندر پاک پیشوا دی جہان اعلم و یقین</p>
<p>شاہ صدیق و سرور و عادل شیخ آفاق تہمین مثنی</p>	<p>شاہ فراز سید قطب شاہ دنیا و دین و کون و مکان</p>	<p>شاہ دنیا و دین و کون و مکان شاہ کون و مکان کون و مکان</p>
<p>شاہ سرور و ان بیان ہند شیخ ابوالفتح رکن عالم و دین</p>	<p>شاہ ابوالفتح رکن دین و کون و مکان شاہ خاتم الامم بانگین</p>	<p>صدر دین حاجی آن بر ایش شاہ اسلاک نالہ و طاروت</p>
<p>شاہ کون و مکان زمان دین سحر و روی و شاہ عالم دین</p>	<p>شاہ کون و مکان و کون و مکان شاہ و الا جناب امام کون و مکان</p>	<p>شاہ عقیبا و سرور و دینا آن ابوخص شکر بانگین</p>
<p>شاہ کون و مکان و کون و مکان کہ ہاشم اشقی فرح خواہی</p>	<p>شاہ کون و مکان و کون و مکان ابو جہاں شاہ شاہ سید</p>	<p>شاہ دنیا و دین کون و مکان قطب و دوران محمد ابن خلیفہ</p>
<p>شاہ کون و مکان کون و مکان شاہ کون و مکان کون و مکان</p>	<p>شاہ کون و مکان کون و مکان سید الطائف حبیب مثنی</p>	<p>شاہ کون و مکان کون و مکان قطب دوران سرور قطب</p>
<p>شاہ کون و مکان کون و مکان شاہ کون و مکان کون و مکان</p>	<p>شاہ کون و مکان کون و مکان شاہ دنیا و دین اعلم و بصر</p>	<p>شاہ کون و مکان کون و مکان شاہ کون و مکان کون و مکان</p>
<p>شاہ کون و مکان کون و مکان شاہ کون و مکان کون و مکان</p>	<p>شاہ کون و مکان کون و مکان شاہ کون و مکان کون و مکان</p>	<p>شاہ کون و مکان کون و مکان شاہ کون و مکان کون و مکان</p>

و فرود سید و ادب بجای خود نشانیند و وطن پور و جوپور متصل بل بنام آنحضرت یاد شده بود گفتند
 که آن حضرت بسیار است از آنکه آنست که حضرت شیخ الاسلام شاه عبدالرحمن بانی بازار قلندر
 لاهور پوری را از عالم غیب معلوم شده که پیر ایشان حضرت شاه عبدالسلام جوپوری اندرنگ
 دنیا کرده از وطن خود جوپور آمده چون بکنار کوه ریای گوتی رسید در آن زمان که جوپور
 نبود و کشتی هم در آن وقت موجود نشده آنحضرت بر رتبه سوار بود و در آن راه بان گفتند که
 رتبه و رویای گوتی پنداران رتبه بان تخرمانه توقف کرد آنحضرت فرمودند که اگر برین
 مدتی است به این طور جوپور و ریای نوا هم کرد و آنرا رتبه و ریای انداخته چنانکه رتبه ششگونی
 همچنان بدریایانند تا بکناره رسیده چون در وطن پور رسید پیر و فرستاد رسید در جای بازار
 لقب یافتند و از تربیتی تلقین بمرتبه علیا فائز شدند و جلالت مسائل قلندر پیر و طیب و پیر
 و پیشینه و قاور پیر و سحر و رویه و فرود سید مشرف شده و دل پورین خوش شد و وقت رفتن
 رسیدند که چگونه جوپور هم گفت چنانکه آمده بود و در میان مبارک فرمود که بهین راه جوپور
 خواهد بود و چند روز نگذشت بود که آب خانخانان بل و بهین جاساخت در راه خلق الله شد
 از آنجا آنست که روزی جمعی از مهابان نزد حضرت شاه عبدالسلام قلندر آمدند آنحضرت
 بخانه رفتند رسیدند که جمعی مهابان رسیده اند برای ایشان طعام بهتر از بخت هرمان خانه
 گفتند که شیخ آثار آرد و جو و و آثار الی در هر وجود است این می پند و مهابان بخورد و پیر
 و بگریز است که بکار موجود نیست فرمود که در آب آرد و جو را عقده ها از کفها بسته پند که
 در سندی این نوع طعام را باید که پندایش بهین پور پند شد آنحضرت در حال جوش و غوش
 و جذب سبط مهابان فرمودند که هر روز بخانه طعامی غیبی لذت بخش است که گاهی طعامی این
 لذت خورد و باشند پس دال را هر عقده ای آرد و جو که در آب گرم پخته شده بود پیش مهابان بنام
 شیخ مذکور طعامی کار آرد و بگردان عقده ای یا کفها بسته پندایش شد و
 تصدیق آن کلام مشاهد و نمودند و آب گمان لذت طعامی گویان بنام بود و فایده حضرت شاه

رومی قلندر قدس سره بود و قدرت ایجاد و ایانت میداشت اما خود را از نظر خلق مخفی میداشت
 و آنوقت با خلق کم میفرمود و بیشتر اوقات منزوی میبود و در آنکه و لاد باطنی حضرت شاه قطب الدین
 بنیاد قلندر متوالی و کثیر از شاه محمد قطب قلندر تا این وقت باقی مانده و اولاد ظاهری حضرت
 شاه قطب الدین بنیاد قلندر نیز متوالی و کثیر از حضرت شاه محمود قلندر که پسر خور و حضرت ایشان
 بودند تا این وقت باقی است و حضرت یوان شاه فتح قلندر نیز از اولاد ایشانند چنانچه مولوی
 منسوبی شاه عبدالقادر قلندر الباسطی در قطعه گفته قطعه شیخ فتح قلندر و شیخ حسین دود

و شیخ منظر ولد شاه ملک در این محمود قلندر طاعت بنیاد ل در حقیقت و در آنکه هم در میان
 و حضرت شاه محمد قطب قلندر نو و ساله بود و غایت بنیاد شیخ نعم ماه ذی قعدة و قریب یافته و هم
 آنحضرت در عین پور مملکت شکر جو پیشه حاصل بی که با کرده پسرش حضرت شاه عبدالسلام عرف
 شاه عین قلندر است و بر نام ایشان مشهور واقع است و مرید و خلفای آنحضرت بسیار اند و از جمله
 خلفای کبار و مشاهیر پیر ایشان حضرت شاه عبدالسلام قلندر اند و شجرات سلالی مذکوره در قطعه

سابقه نوشته شده است که با برودید

فصل ششم در بیان احوال پیر ششم شیخ الاسلام و مسلمانان ارباب علوم الانبیا

و امیر مسلمین قطب الدین غوث اولی صلیب حضرت شاه عبدالسلام عرف شاه
 عین قلندر جو پوری عین پوری که مرید و خلیفه پدرو و حضرت شاه محمد قطب
 قلندر رحمة اللہ علیہ بود

بدانکه چون والد بزرگوار ایشان را تربیت و تلقین از کار و افکار و اسرار بوجوه حسن کرد
 و بجز این آگاه گردانیدم اجازت و تفادف سلال بود و این سلسله قلندریه که
 و قلندر علی و شیخوری و شیخیه قطبیه و شیخیه نظامیه و قادریه و سهروردیه و نظامیه و سهروردیه

که نامزد منظر را گذاشته در وسیع سکوشت اختیار کرده و بیجا می رود و مقبره او نادر ایشان زیر آستانه
 شیخ قدس سره واقع است و آمد و رفت خلق الله بهر سبب ای ایشان است رحمت پرورش
 بارگه گفت سه پاره از آن سوخت که با شمع و رافاد در با سوختگان هر که دعا خواند برافاد
 مرید و خلیفه حضرت شاه علم بسیار از مکر خفا می شاه بهر ایشان حضرت شاه عبدالقدوس
 سره انداخته که بالا گذاشت

فصل پنجم در بیان پیغمبر حضرت قطب الاولین غوث الاعظم شیخ اشراق
 حضرت شاه عبدالقدوس قلندر چو پوری که خلیفه رشید و خلف جانشین

پدر بزرگوار خود حضرت شله عبد السلام قلندر اند قدس الله سرها
 بر آنکه چون اکثریت از خدمت پدر بزرگوار خود و شیخ افکار و افکار و اسرار و مرقبات
 و مشاهدات و زیارات تربیت و تقویت یافته و بر موز فقر و کسالت آگاه گردیده و بر
 علیا رسیدند بر بزرگوار بجا رفت سلاسل قلندریه و لیلیوریه و پشیمه و کلامیه و سهروردیه
 و فرود سید شرف گردیده بجای خود نشانیده و سلسله مداریه از عابدی آخرین بچین یافته

این همه سلاسل سید بقدوسیه سید شریعی کل واحد من هدی المقیم قدا و هدیه بدنتها
 الملقب بر السلام او بر طبق بعد القدر بن عبد السلام بن خواجه مولی معنوی در
 منظوم مختصره برین معنی اشارت فرموده نظم بر عبد القدوس عبد السلام در از بدین
 ایسام هم با او زنده افش او ز قاضی و شمس الدین قطب المدار و روی کاشفت
 با در بزرگوار و شب با چشم کار بد و بر دست چون در سبب با چشم و سلسله مداریه در
 خاندان قلندریه است از نور حق حضرت دیوان با ریشیه و خردی شمس که از حلقه اشراق اسلام و از قدوس قلندریه
 اندوزان جامی و دیگر معلوم شده است و آنچه نقل کنند که حضرت قطب الاولین رسول قلندریه
 را قدس سره توسط این چهار واسطه بزرگوار از حضرت شاه مدار باشد بعدی نماید که در

عبد السلام بنایح پانزدهم و نهمه وقوع یافته و قبر آنحضرت در لاهور است در موضع علم پور
نزد قریه پور و بعد آنحضرت بنیان مریدان و خلفای حضرت شاه عبدالسلام قلندر پور است که
از جمله مریدان و خلفای آنحضرت شیخ الاسلام شاه عبدالرحمن جانناز قلندر لاهور است
و دیگر شیخ حضرت شاه عبدالقدوس قلندر و حضرت شاه محمود قلندر که نوی قدس سران هم اند و دیگر
کنفوت و کرامات حضرت شاه عبدالرحمن جانناز قلندر لاهور پوری بسیار اند چنانچه حضرت شاه پوری
عرفت شاه جانناز قلندر لاهور پوری بنام ایشان در کتب خود فرموده است بر او هر که باور و ایشان
آن کند که بناید کرد البته آن بناید و در هر جا که نقل است که از خدمت شیخ الاسلام شیخ
عبدالرحمن قلندر جانناز لاهور پوری قدس سره شیخ عبدالصمد عداوت پیدا کرد و همیشه میگفت
و بدین نحو است که گفتن حاصل است و بدین سخن از آن بدینکه حضرت شیخ قدس سره فرمودند
آورد و خواست که چون حضرت تبار شود پیش شیر شاه که باو شاه افغان بود و بیرون کشید و بود
که میان حضرت شیخ و شیر شاه ناخوشی واقع است البتة شیخ را زنده خواهد گذارند و سبب
ناخوشی این بود که هالیون باو شاه جعل البته مشواه از خدمت شیخ عبدالرحمن جانناز قدس سره
اعتقاد و اخلاص تمام داشتند بولست آن شیر شاه از خدمت ایشان خوش نبود و عندالزمان قات
از شیخ قدس سره پرسید که هنوز منغلان هستند شیخ قدس سره فرمود که ملک ملک خدا است
هر که خواهد بدو پیشتر یا منغلان بود بشما و او محترم است که بیغلان بدو ازین سخن بسیار یاد
شد و خواست که قتل رساند شیر پور تا که از چپ در است حضرت شیخ قدس سره ظاهر شد
در تنگنی تیر سید بعد از شاه پیش آمد و در عرصه قریب حق سبحانه تعالی باز ملک امینان عطا کرد چون
پیشتر بن عبد الصمد بدین غایت رسید حضرت شیخ قدس سره فرمود که عبدالرحمن آنحضرت
حق بسیار خوب است که عبد الصمد با جان و مال بر او نیت نمود و با تو است بر سینه است
ایشان آمد و در غنای خود بود و در گاه حق سبحانه تعالی قبول نماید و یک مدت نگذشت که هر یک
روز با یکدیگر قرار کردند و هر دو در خاک ایشان خاک بسیار شد که کس از اولاد ایشان نماند و بعضی

شجره سلسله اعداء پیر طیفور پیر جعفریه از ریاض الشریع

شاه و نیاودین کریم اساس	شاه باسط علی حسینی اصل	شاه شاهان امیر فضل اول
شیخ فتح قلندر فاروق	شاه کونین آفتاب شروق	شیخ الدیر احمد عباس
شاه عبدالقادر حسن عبدالسلام	شم پاک الدیر احمد ناز	شاه دین مختاری فروغ صفا
شاه حاجی بزمین کریم العین	شاه کونین حاجی محمد بن	شاه شیخ داود بنوا تمام
شاه دیناودین ابو جعفر حسن	شیخ ابوالفتح ادریس کبیر	شاه کونین و مکان علم و هنر
قاضی شیخ قیاس الدین	شاه دیناودین معلم بنفین	شیخ قاضی امام ایل زین
شاه طیفور سسرورتائی	حجت الاسلام علی قطب مدار	شاه کونین نظام اسرار
سید السادات جعفر صادق	شاه دیناودین کئی ناطق	قطب حق بویریه بیستاس
شاه کونین و مکان امام رشاد	سرور دین محمد باقر ناز	شاه دوران باول و آخر
شاه ششم نبول امام حسین	شاه کونین سسرورتا دین	سید الکل علی زین عجاو
شاه شاهان قوام تخت و گناه	شیخ حشر و ساتی کوثر	شاه دارین حیدره مقدر
بر رسول و جهاد مذکور	سلاوة و سلام نامحسور	سید الانبیاء رسول الله

بنسبت آید پیرنگری در کاره از مدار حق جعفر بنهار

شجره سلسله اعداء پیر جعفریه از ریاض الشریع

شاه دیناودین زین زین زمان	شاه باسط علی قلندری	حضرت ذات پاک نظری
شاه فتح قلندر سسرورت	شاه کونین و مکان و حیدر	شیخ الدیر احمد سلطان
شاه دیناودین امام همام	مکتب عشق و معرفت لاک	شاه دین مختاری قلندر پاک
شیخ حاجی بزمین کریم العین	شاه کونین حاجی محمد بن	شیخ عبدالقادر حسن عبدالسلام
شاه دیناودین ابو جعفر حسن	شیخ ابوالفتح ادریس کبیر	شاه کونین و مکان علم و هنر

این هم در بزرگی از شیخیه است و هر دو یکدیگر را در حدیث آورده اند پس با وجود قریبگی

و نزدیکی و پیوستگی میان شیخیه و اهل علم بزرگ و سلسله امدادیه بلیغتی است که شیخ الاسلام

شاه عبدالقدوس قلندر بن مشاکش و شیخ بعضی روایات بلیغتی است که شیخ الاسلام شاه عبدالسلام

قلندر لک ذکر کرده اند فی بعضی اشکولات اشهر شیخ الاسلام قطب الدین بنیاد قلندر قلندر بنیاد

سلطه باید دانست که هیچ بهین ترتیب است که حاجی بدین را اجازت و خلافت از شیخ ابو الفتح رسیده و او شاه از پدر خود شاه قاضی و

او شاه از شیخ حسام الدین سلامتی و تقدم اسم شیخ حسام الدین بر اسم شیخ ابو الفتح و شاه قاضی علی کاتبیه است که شاه قاضی نام برده

یازدهم شاه حضرت شاه به شیخ الدین قلندر که از احوال معلوم شد در زمان شیخ ابو الفتح در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او

اند که شاه در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او در زمان او

و ولادت حضرت بنیاد در سنه هجری پنجاه و هفتاد و شصت است و ده فانی در سنه هجری و بیست و پنج و در سنه هجری و بیست و پنج

صاحب از اعرابین قریب و در سنه سال پس ازین معلوم میشود که حضرت قطب الدین بنیاد قلندر در سنه هجری و بیست و پنج

سال در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

معلوم شد که در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

بود و فانی شاه در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

عبد القدوس قلندر پس و فانی حضرت ایشان در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

شیخ عبدالرزاق بن محمود فانی در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

از جمله احوال فانی فانی در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

حاجی در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

رسیده و ترتیبش از آنکه در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

فی زمانه که در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

و این است که حضرت بنیاد قلندر با وجود متفکران از آن بودند با حضرت شاه در سنه هجری و بیست و پنج

شاه در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

شیخ است که در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج در سنه هجری و بیست و پنج

بسیار

<p>شاه دنیاودین زمان زمین شیخ فتح قلندر مسعود</p>	<p>شاه باسط علی قلندر حق شاه کون و مکان لطیف محمد</p>	<p>حضرت ذات پاک مظہر حق شیخ المدنی احمد حسین</p>
<p>شاه کون و مکان امام ہمام شیخ حاجی بدین برقی از شین</p>	<p>شیخ مصطفیٰ امین الدین شاه وارین حاجی عربین</p>	<p>شاه دنیاودین زمان زمین شیخ عبدالقدوس عبدالسلام</p>
<p>شاه دنیاودین ابو جہ حسن شیخ شریح علی محصام الدین</p>	<p>شیخ ابوالفتح ہادی رہبر شاه دنیاودین بعلوم نقیبین</p>	<p>شاه کون و مکان بعلوم و نظر شیخ قاضی امام اہل زمین</p>
<p>شاه شاہان تو امامت و کلام بر رسول کریم و بر ایشان</p>	<p>شاه شاہان بر بیخ قطب مدار علاقہ و سلام فی پایان ہزار</p>	<p>شاه کونین شیخ مسعود سید الانبیاء رسول اللہ</p>
<p>بستت و چارم ز طریق مثنوی بر کائنات و دوزخ و جہنم</p>	<p>در مدار پیر احمد مسعود جمع با سبک اندر ان کیسہ</p>	<p>یازدہ را شمار از تحریر در مدار پیر مسعود</p>

شجرہ سلسلہ مدار پیر احمد پیر از رسالہ ربط المثنوی

<p>شاه دنیاودین زمان زمین شیخ فتح قلندر مسعود</p>	<p>شاه باسط علی قلندر حق شیخ کون و مکان لطیف محمد</p>	<p>حضرت ذات پاک مظہر حق شیخ المدنی احمد حسین</p>
<p>شاه کون و مکان امام ہمام شیخ حاجی بدین کریم العین</p>	<p>شیخ مصطفیٰ امین الدین شاه وارین حاجی عربین</p>	<p>شاه دنیاودین زمان زمین شیخ عبدالقدوس عبدالسلام</p>
<p>شاه دنیاودین ابو جہ حسن قاضی شریح علی محصام الدین</p>	<p>شیخ ابوالفتح ہادی رہبر شاه دنیاودین بعلوم نقیبین</p>	<p>شاه کون و مکان بعلوم و نظر شیخ قاضی امام اہل زمین</p>
<p>شاه شاہان تو امامت و کلام حسن عسکری امام ذکی و کلام</p>	<p>شہ در جہان بیخ الدین شاه دنیاودین بو سعید کی</p>	<p>پیر کون و مکان زمان زمین مدنی مقدس امام زمان</p>
<p>شاه دنیاودین امام ہمام</p>	<p>سید شہ اسحاق علی</p>	<p>شاه کون و مکان بوش خلق</p>

که از دیوار پیران می آمد بی خرق و التیام و شیخ قطب عالم شیخ عبدالقدوس جوهری قدس
 در یک ساعت بخارق عادت یکباره رفته و حج گذارده است و حاجیان این آثار مبارک را و گفته
 و بعد از آن ساعت بخانه رسیده اند بی آنکه یک دو قدم بر زمین نهند و در گوشه افلاک گنجینه آید
 و اینجاست چهارت حضرت شاه جهان قلمدر صاحبی و فوات حضرت شیخ المشایخ قطب الاقطاب
 شاه عبدالقدوس قلمدر جوهری قدس سر و یوم الاحد ثانی عشر ماه شوال سنه یکم هزار و پنجاه و
 و بیست و پنج رسیده و چنانکه حضرت عالم فاروق در بیان عهد الرشید جوهری قدس سره که از قطب است
 اینجاست مستطاب اندرین لفظ تاریخ یافته و فرموده اند هر روز یکشنبه و از و هم ماه شوال و غیر
 حضرت شاه عبدالقدوس جوهری در بیان پور نوقر پور و بعد آنحضرت است و در بیان خلای
 حضرت شاه عبدالقدوس بسیار از آن جمله خلای کبار و مشایخ حضرت شاه جهان قلمدر لاهور جوهری
 و در بیان عهد الرشید جوهری است

فصل هشتم در بیان احوال پیران حضرت قطب الاقطاب شاه تاجی حضرت شاه جهان

قلمدر لاهور جوهری قدس سره

بن شاه مصطفی بن شاه امین الدین بن شاه عبدالرحمن جهان ساز قلمدر بن شاه علاء الدین از اولاد
 شاه سلیمان عباسی که سلطنت گذشت یکم شیر خواراه فقر اختیار کرده بود و شاه علاء الدین جوهری
 حکم عالم لاهور لاهور بنفاست و زبیده و آبادی لاهور از فوات ایشان است قدس سره
 پد آنکه آنحضرت از خلای کبار حضرت شاه عبدالقدوس در ابتدا ای عمر که از آن کتب علم
 در سینه مشغول بود بی چون کتاب هدایت شروع کرد و در شب همان روز که شروع نمود و
 مطالعات مشغول بود و یکبار که از غیب آوازی رسیده که وقت خود را بجزای این میباید
 رسانیدن اسرار الهی را منتظر و نشسته ای که در آن روز در پیش این برسان آنحضرت
 در سینه پیش آنکه که ام کس است که آواز رسیده و بسیار در آن کتاب آواز غیب آمد بعد از آن